

سورن کی یرکگور

استیون کرایتس

ترجمہ
خشیار دیہیمی

فرہنگ نشر نو
با همکاری نشر آسیم
تہران - ۱۳۹۸

پیشگفتار

بیش از بیست و پنج سال از چاپ اول مجموعهٔ نسل قلم می‌گذرد. پیش از هر چیز لازم است بگوییم این مجموعه با همت و کمک سه تن از دوستانم، که سهمشان در انتشار این مجموعه به هیچ روی کمتر از من نبوده است، به ثمر رسید. دوستانم، آرمان امید، بهرام داوری و حسن ملکی. قصهٔ عجیب و غریب انتشار این مجموعه قصه‌ای بس دراز است که گهگاه در برخی مصاحبه‌ها من و دوستانم گوشه‌هایی از آن را بازگو کرده‌ایم. اما به عمد لفظ قصه را به کار گرفتم زیرا شاید اگر روزی من و این دوستان خاطرات مربوط به نشر این مجموعه را با جزئیاتش بازگو کنیم دست‌کمی از یک قصهٔ بلند شیرین و پرتب و تاب نخواهد داشت.

باری، نمی‌خواهم اکنون سر این قصهٔ بلند را باز کنم، باشد تا زمانی دیگر و فرصتی مناسب‌تر. اما به جز ما چهار نفر عدهٔ بسیار بیشتری در شکل‌گیری این مجموعه سهم داشته‌اند. مهم‌تر از همه نگاه محبت‌آمیز دوستان مترجم بود که هرگز دست یاری ما را که به‌سویشان دراز شده بود پس نزدند. امروز بعد از بیست و پنج سال عده‌ای از آنان روی در نقاب خاک کشیده‌اند که جا دارد یاد از ایشان بکنیم:

شش :: نسل قلم ::

کریم امامی، عبدالله توکل، ابراهیم یونسی، مهدی سبحانی، صفیه روحی،
محمد مختاری، فرخ تمیمی.

در پایان، ذکر یک نکته ضروری است: این کتابها «زندگینامه»
نیستند، بلکه شرح و تفسیر و نقد آثار و اندیشه‌های نویسندگان هستند. پس
اگرچه حجمشان اندک است اما می‌توانند نقطه شروع خوبی برای
خواندگانی باشند که در پی راه یافتن به مضامین اندیشه‌های این نویسندگان
و متفکران هستند.

خشایار دیهیمی

تابستان ۱۳۹۷

سه دسته آثار اصلی کی‌یرکگور^۱

اکثر کتابهای بسیار مشهور کی‌یرکگور در یک فاصله سه‌ساله با سرعتی حیرت‌انگیز به زبان دانمارکی انتشار یافتند. نخستین آنها کتاب دو‌جلدی حجیم یا این، یا آن^۲ بود که در فوریه ۱۸۴۳ منتشر شد، و آخرینشان مهمترین اثر فلسفی او، کتاب حجیم تعلیقه غیرعلمی نهایی^۳، بود که در فوریه ۱۸۴۶ از چاپ درآمد. دیگر آثار مشهور او که در این فاصله منتشر شدند عبارتند از: ترس و لرز^۴ و تکرار^۵ (۱۸۴۳)، پاره‌نوشته‌های فلسفی^۶ و مفهوم اضطراب^۷ (۱۸۴۴)، و مراحل راه حیات^۸ (۱۸۴۵). کی‌یرکگور آثار دیگری هم در این سالها انتشار داد، اما این هفت کتاب بر روی هم مجموعه‌ای شاخص هستند که خود وی آنها را «کار نویسنده‌گی‌ام» می‌نامید. کی‌یرکگور این کتابها را نه با نام خود، بلکه هریک را با نام مستعاری عجیب و غریب منتشر کرد. مثلاً نویسنده مفهوم اضطراب شخصی به نام

1. Soren Kierkegaard
2. *Either/ Or*
3. *Concluding Unscientific Postscript*
4. *Fear and Trembling*
5. *Repetition*
6. *Philosophical Fragments*
7. *The Concept of Anxiety*
8. *Stages on Life's Way*

ویگیلیوس هاوفنیسیس^۱ قید شده است، حال آنکه نویسنده کتاب تکرار به نحوی تکراری کونستانتین کونستانتیوس^۲ نامیده شده است. هریک از سه بخش کتاب مراحل راه حیات یک نویسنده با نام مستعار دارد و ویراستار کل کتاب هیلاریوس صحاف^۳ نامیده شده است. در صفحه عنوان اکثر این کتابها هیچ نامی از کی‌یرکگور برده نشده است، اما در دو کتاب فلسفی، پاره‌نوشته‌های فلسفی و تعلیقه غیرعلمی نهایی، که هر دو به یوهانس کلیماکوس^۴ منتسب شده، نام کی‌یرکگور به عنوان «مسئول نشر» آورده شده است. برخی از این آثار شکلی شبیه رمان دارند، و بقیه بیشتر بحثی و استدلالی هستند؛ اما از نظر درونمایه نوعی پیوستگی و تداوم میان آنها وجود دارد، و در همه نوعی دل‌بستگی آشکار به مسائل روانشناختی به چشم می‌خورد.

در دوره‌ای که کی‌یرکگور مشغول تألیف این «کارهای نویسندگی» اساسی با نام مستعار بود، اندک‌اندک به نوشتن دسته دیگری از آثار روی آورد که لحن و هدفشان با آن آثار قبلی کاملاً متفاوت بود و خود آنها را «آثار سازنده» یا به قولی «آثار تهذیب‌کننده» می‌نامید. او نخست مجلدات کوچکی که هریک حاوی دو تا پنج «گفتار تهذیب‌کننده» کوتاه بودند منتشر می‌کرد که غالباً هریک از این مجلدات همزمان با یکی از آن آثار با نام مستعار انتشار می‌یافتند. درونمایه «آثار سازنده» اخلاقی و مذهبی است. گفتارها بسیار شبیه موعظه‌های مذهبی هستند و این شباهت صرفاً از این جهت نیست که در آنها از متون کتاب مقدس استفاده شده است، بلکه سبک پندآموزانه تکراری آنها و خطاب قرار دادن خواننده به صورت مستقیم به صیغه دوم شخص مفرد نیز کاملاً یادآور موعظه‌های

1. Vigilius Haufniensis
3. Hilarius Bookbinder

2. Constantin Constantius
4. Johannes Climacus

مذهبی است؛ تنها تفاوتشان با موعظه‌های مذهبی این است که خطاب آنها به خواننده است نه به شنونده، و به فرد است نه به جمع. این نکته‌ای است که در نظر کی یرکگور اهمیت بسیار داشت. به گمان او گامهای سرنوشت‌ساز اخلاقی و روحی را تنها افرادی می‌توانند بردارند که از جمع جدا شده و به فردیت خود پناه برده‌اند و می‌توانند مسئولیت شخصی برداشتن این گامها را به عهده گیرند. کی یرکگور نیز به سهم خود با گذاشتن نام و امضایش به زیرگفتارها مسئولیت شخصی آنها را به عهده گرفت.

هرچه «کارهای نویسندگی» با نام مستعار رو به اتمام می‌رفت، «آثار سازنده» بیشتر و بیشتر می‌شد. در ضمن اصول مفروض آنها نیز هرچه آشکارتر مسیحی می‌شد. کی یرکگور علاوه بر مجموعه گفتارهای کوچک، اندک‌اندک دست به نشر کتابهای اساسی با همان حال و هوای سازنده و تهذیب‌کننده زد: گفتارهای سازنده با روحیه‌های متفاوت^۱، شامل خلوص دل یعنی خواهش یک چیز^۲ و انجیل رنج^۳ (۱۸۴۷)؛ آثار عشق^۴ (۱۸۴۷)؛ گفتارهای مسیحی^۵ (۱۸۴۸)؛ بیماری تادم مرگ^۶ (۱۸۴۹)؛ آموزش مسیحیت^۷ (۱۸۵۰)؛ و برای خودآزمایی^۸ (۱۸۵۱). خودتان قضاوت کنید!^۹، که در سالهای ۱۸۵۱ تا ۱۸۵۲ نوشته شد، پس از مرگ کی یرکگور منتشر گشت. در این آثار کی یرکگور نوعی مسیحیت رادیکال را مطرح می‌کرد که روزبه‌روز با آن مسیحیتی که در کلیساها موعظه

1. *Upbuilding Discourses in Various spirits*

2. *Purity of Heart Is to Will One Thing*

3. *The Gospel of Suffering*

5. *Christian Discourses*

6. *The Sickness unto Death*

7. *Training in Christianity*

9. *Judge for Yourselves!*

4. *Works of Love*

8. *For Self-Examination*

می‌شد تعارض آشکارتری پیدا می‌کرد، و «افراد» را به مسیحیت خویش فرا می‌خواند. کی‌یرکگور برای دو کتاب از این سلسله کتابها، یعنی بیماری تادم مرگ: ایضاح روانشناختی مسیحی برای تهذیب و بیداری^۱ و آموزش مسیحیت، نام مستعار جدید آنتی کلیماکوس^۲ را جعل کرد، زیرا این کتابها آنچنان اعتقاد مسیحی عمیقی می‌طلبید که کی‌یرکگور هنوز شخصاً آن را در خود سراغ نمی‌کرد. مشی‌کی‌یرکگور در مقام نویسنده این بود که نامش را صرفاً به اندیشه‌هایی پیوند زند که خود در زندگی تجسم آن اندیشه‌ها باشد.

جز این دو دسته آثار منتشر شده، یعنی آثار با نام مستعار و آثار سازنده، کی‌یرکگور آثار خصوصی بسیاری نیز تهیه کرد که یادداشتهای روزانه و یادداشتهای پراکنده اوست. این یادداشتهای از نظر ماهیت و اهمیت بسیار گوناگونند. جالبترینشان آنهایی هستند که همچون خاطرات شخصی ثبت شده‌اند؛ اما در این یادداشتهای نوشته‌هایی درباره خواننده‌هایش، نسخه‌هایی از نامه‌هایش، مناجات، اندیشه‌های گذرا و اتفاقی، و طرحهایی برای آثار آتی یافت می‌شوند. خلاصه هرآنچه معمولاً می‌توان در دفتر یادداشت یک نویسنده یافت. این یادداشتهای اخیراً در بیست مجلد قطور به زبان دانمارکی چاپ و منتشر شده‌اند. از تاریخ برخی از یادداشتهای پیداست که کی‌یرکگور نوشتن آنها را از دوره کودکی آغاز کرده بود، ولی ظاهراً هیچ طرح خاصی برای این نوشته‌های قلم‌انداز نداشته است، تا اینکه در بیست و چهار سالگی رسماً تصمیم می‌گیرد که دفتر یادداشت روزانه‌ای داشته باشد. تاریخ این تصمیم‌گیری را، مانند هر واقعه مهم دیگر بعد از آن در زندگی وی، می‌توانیم به‌دقت مشخص کنیم، زیرا با جزئیات کامل در دفتر یادداشت روزانه او ثبت شده است: «تصمیمی که در

1. *The Sickness unto Death: A Christian Psychological Exposition for Upbuilding and Awakening*

2. *Anti-Climacus*

۱۳ ژوئیه ۱۸۳۷ در اتاق کارمان در خانه در ساعت ۶ بعد از ظهر گرفتیم.» ما حتی می‌توانیم رشته افکاری را که به این تصمیم منجر شد دنبال کنیم، زیرا کی یرکگور از آن زمان عادت کرد که قلم به دست بیندیشد. او می‌اندیشید که نویسندگان ستوده‌اش، مثلاً ای. تی. ای. هوفمان^۱ و گئورگ کریستوف لیشتنبرگ^۲، همین عادت را داشته‌اند که یادداشتهای روزانه بنویسند و این کار را توصیه کرده‌اند. اما برای خود او فکر چنین کاری همیشه ناخوشایند بود، زیرا نوشتن چنین یادداشتهایی آشکارا احتمال چاپ آنها را در پی داشت، و همین باعث می‌شد در نوشتن اندیشه‌هایش احتیاطی را به کار بندد که این کار را عذاب‌آور می‌کرد و آن خودانگیختگی اندیشه را از میان می‌برد.

به جای آن، من فکر می‌کنم بهتر است در نوشتن یادداشتهای منظم بگذاریم تا اندیشه‌ها با همان بند ناف احساس و حال و هوای اصیلشان پیش بیایند، و تا حد ممکن هر ملاحظه‌ای در باب استفاده احتمالی از آن را کنار بگذاریم...؛ برعکس، من با رها کردن عنان خود، همانگونه که در نوشتن نامه به دوستی صمیمی، به این امکان دست می‌یابم که خود را بشناسم و علاوه بر آن قلمم روان می‌شود و در بیان نوشتاری به همان فصاحت گفتار می‌رسم؛ به شناخت آن ردهای ذهنی کم‌رنگ بسیار می‌رسم که فقط نگاهی گذرا به آنها انداخته‌ام؛ و سرانجام این مزیت نیز هست که، اگر گفته‌ها مان^۳ را به معنای دیگری بگیریم، برخی اندیشه‌ها هستند که در طول زندگی فقط یک بار بر آدم رخ می‌نماید.

۱. E. T. A. Hoffmann, (۱۷۷۶-۱۸۲۲). نویسنده آلمانی.

۲. Georg Christoph Lichtenberg, (۱۷۴۲-۱۷۹۹). فیزیکدان و طنزنویس آلمانی.

۳. Johann Georg Hamann, (۱۷۳۰-۱۷۸۸). نویسنده آلمانی.

بنابراین، یادداشتهای روزانه او می‌بایست حاوی اندیشه‌هایش در همان شکلی باشد که به ذهن او خطور می‌کرد. کی‌یرکگور در حاشیه این یادداشت بخصوص ملاحظه دیگری افزوده است: «گنجینه خیالها و اندیشه‌هایی که به مغزم می‌آیند می‌توانند نوعی ناآرامی روانی ایجاد کنند که شبیه به آن حالی است که گاو وقتی که به موقع دوشیده نشود دارد. ... بنابراین، بهترین شیوه، اگر شرایط بیرونی چاره‌ساز نباشد، این است که آدم مثل گاو خودش را بدوشد.» اگر در تمام تاریخ بخواهیم جوانی را بجویم که از بار فعالیت بیش از حد فکری در عذاب بوده باشد، کسی جز کی‌یرکگور را نخواهیم یافت. او در یادداشتی به تاریخ ۹ فوریه ۱۸۳۸ می‌نویسد: «گاهی هیاو در مغز من چنان بالا می‌گیرد... که انگار اجنه کوهی را جابه‌جا کرده‌اند و اکنون جشن و پایکوبی پرسروصدایی در آنجا به راه انداخته‌اند.» او نیازمند نوشتن یادداشتهای روزانه بود، هم برای آنکه مثل گاو آن فشار درونی را بکاهد، و هم برای آنکه این اجنه را دفع کند. کی‌یرکگور ظاهراً از یک جمله لاتینی هوراس^۱ برای این تصمیم خود که یادداشتهای روزانه بنویسد شعاری ساخته بود: *Nulla dies sine linca* (نه روزی بی‌آنکه سطری بنویسم). در واقع نیز در بقیه عمر او فقط روزهای انگشت‌شماری بودند که در آنها سطرهای بسیار نوشت.

پانزده سال بعد، پس از سیاه کردن هزاران صفحه، او دوباره علت اصلی روی آوردنش به نوشتن را چنین افشا می‌کند: «با نوشتن، بر افسردگی عمیقم مهار زده‌ام.» این آوای مالخولیایی از میان همه

۱. Horace، (۶۵-۸۴ م.). شاعر غنایی رومی.